

# امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

زمان: ۹ صبح | نمره: ۱۴ | مدت: ۷۰ دقیقه

شماره نام خانوادگی	نوع مدرسه	نوع مدرسه
شماره نام خانوادگی	نوع مدرسه	نوع مدرسه

نیمسال دوم ۹۷-۹۶  
رشته مطالعات زبان ورودی مهر ۹۵

مهر مدرسه

کتاب: ۳۹۶۲/۱۶
موضوع: ۱۳۹۷/۰۴/۰۲
موضوع: اصول فقه ۴
کتاب: دروس فی علم الاصول (الحلقة الثالثة - شهيد صدر)
موضوع: جزء اول: دروس ۵۸ و ۵۹ (ص ۳۰۲-۲۹۵) و دروس ۶۱ تا ۶۳ (ص ۳۲۲-۳۰۷) و درس ۶۵ (ص ۳۳۰-۳۲۷) و دروس ۷۲ تا ۷۴ (ص ۳۷۴-۳۶۰) و دروس ۷۷ تا ۸۲ (ص ۴۱۷-۳۸۳)

نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... کد کلنگی: ..... درجه علمی: ..... شهرستان: ..... استان: .....

۱- نظر مصنف درباره اشتراط یا عدم اشتراط قدرت در مرتبه جعل، بدون لحاظ «داعی تحریک» و با لحاظ «داعی تحریک» به ترتیب چیست؟ ص ۳۰۰

..... / ۰.۱۵

- الف. در مورد اول، قدرت شرط است بر خلاف دومی.
- ب. در مورد دوم، قدرت شرط است بر خلاف اولی.
- ج. در هر دو مورد، قدرت شرط است.
- د. در هیچ کدام قدرت شرط نیست.

۲- مسؤولیت یا عدم مسؤولیت مکلف نسبت به مقدمات «وجوبیه»، «وجودیه شرعیه» و «وجودیه عقلیه» به ترتیب چگونه است؟ ص ۳۲۸

..... / ۰.۱۵

- الف. عدم مسؤولیت - مسؤولیت - عدم مسؤولیت
- ب. مسؤولیت - عدم مسؤولیت - عدم مسؤولیت
- ج. مسؤولیت - مسؤولیت - عدم مسؤولیت
- د. عدم مسؤولیت - مسؤولیت - مسؤولیت

۳- از نظر مصنف، در کدام مرحله بین واجب نفسی و مقدمه آن ملازمه وجود دارد؟ دلیل ایشان چیست؟ ص ۳۷۰ و ۳۷۱

..... / ۰.۱۵

- الف. در مرحله جعل و ایجاب - برهان اعتباری بودن وجوب و اختیاری بودن جعل
- ب. در مرحله اراده - برهان انحصار تصحیح اراده در ابراز با لسان تشریحی
- ج. در مرحله اراده - شهادت وجدان در پی فقدان برهان
- د. در مرحله جعل و ایجاب - تعیین مرکز حق الطاعه

۴- با توجه به عبارت «اذا افترضنا ادراک العقل النظری لملاک الاحکام الشرعیة بکل خصوصياته» استکشاف حکم شرعی از چه راهی حاصل می شود؟ نظر شهید صدر (ره) چیست؟ ص ۴۰۹

..... / ۰.۱۵

- الف. برهان انی - متوقف بر واقعی انگاری حسن و قبح عقلی است.
- ب. برهان لمی - تحقق واقعی در اکثر موارد با صعوبت مواجه است.
- ج. برهان انی مطلق - به نحو موجه جزئیة قابل مناقشه اثباتی است.
- د. برهان لمی - بر اساس جزمی بودن ادراک درجه اهمیت ملاک قابل قبول است.

۵- روش های استنباط حکم شرعی از طریق قضایای فعلیه تحلیلیه را با مثال توضیح دهید. ص ۲۹۷ - ۲ نمره

..... / ۲

جواب: ۱. قضایای تحلیلیه وسیله و برهانی برای اثبات قضیه عقلیه ترکیبیه واقع شده و سپس از طریق این قضایای ترکیبیه به استنباط حکم شرعی پرداخته می شود. مثل تحلیل حکم مجعول به شکل قضیه حقیقیه که برهانی بر قضیه عقلیه ای واقع می شود که حکم به استحاله می کند و از طریق این قضیه عقلیه حکم به استحاله اخذ علم به حکم در موضوع همان حکم می کنیم.

۲. قضایای تحلیلیه برای تعیین نحوه تطبیق یک قاعده اصولی به کار برده شود مثل تحلیل حقیقت وجوب تخیری به ارجاع آن به دو وجوب مشروط یا یک وجوب که روی جامع اطراف خود رفته باشد در این صورت برای اجرای اصل عملی در فرض شک و دوران امر واجب بین تعیینی یا تخیری بودن کمک می کند.

۶- ضمن توضیح عبارت «تقدیم احد الواجبین فی حالات التزاحم بقانون الاهیة لا یعنی سقوط الواجب الآخر رأساً كما هی الحالة فی تقدیم احد المتعارضین علی الآخر» وجوب ترتبی و دلیل آن را تبیین نمایید. ص ۳۱۴ و ۳۱۵ - ۲ نمره

..... / ۲

جواب: تقدیم یکی از دو واجب در باب تزاحم با توجه به قانون اهم و مهم، به معنای سقوط تکلیف دیگر از اساس و ریشه نیست بلکه تکلیف دیگر بر وجوبش باقی است اما مشروط به این است که اشتغال به تکلیف اهم حاصل نشود و این به معنای وجوب ترتبی است و برخلاف تقدیم یکی از دو دلیل متعارض است که دیگری ساقط می شود. اثبات وجوب ترتبی نیازمند دلیل خاصی نیست بلکه از خود دلیل تکلیف فهمیده می شود. به این معنا که با ملاحظه حکم عقل، تکلیف از ابتدا به صورت مقید جعل می شود که وجوب متعلق این تکلیف مشروط به عدم اشتغال به واجب دیگری است.

۷- عبارت «الامر بشيء مقيد عقلاً بعدم الاشتغال بضده و لكن لا ينطبق هذا على الضد العام و من هنا نعرف أن النقيضين لا يعقل جعل امر بكل منهما لا مطلقاً و لا مقيداً بعدم الاشتغال بالأخر» را با ذکر ادله آن به صورت کامل توضیح دهید. ص ۳۱۷ و ۳۱۸ - ۲ نمره

۲

جواب:

امر به یک شیء عقلاً مقید به عدم اشتغال به ضد آن است اما این تضاد تراجمی بر ضد عام قابل انطباق نیست. منظور از ضد عام این است که دو تکلیف، نقیض هم باشند دلیل عدم انطباق این است که امر به یکی از نقیضین محال است که مقید به عدم اشتغال به نقیضش باشد. زیرا تقیید یکی از دو تکلیف به عدم اشتغال به نقیض آن به این معناست که در صورت عدم اشتغال به ضد، انجام متعلق تکلیف واجب می‌شود. در حالی که در صورت عدم اشتغال به نقیض، متعلق تکلیف خود به خود حاصل است و جعل وجوب برای آن تحصیل حاصل است. بنابر این دو تکلیف متناقض که متعلق امر شارع ممکن است قرار بگیرند دو حالت می‌تواند داشته باشد: ۱. امر به دو نقیض به شکل مطلق باشد که محال است زیرا منجر به جمع بین متناقضین می‌شود. ۲. امر به یک نقیض مشروط به عدم اشتغال به نقیض دیگر باشد که مستلزم تحصیل حاصل است.

۸- با توجه به عبارت «ان الوجوب الغیری هل یعم المقدمات الداخلية او یختص بالمقدمات الخارجية؟ و قد یقال بالاختصاص إما لعدم المقتضى له او لوجود المانع» اصل مسأله و جواب طرح شده را بنویسید. ص ۳۶۷ - ۲ نمره

۲

جواب: اصل مسأله این است که آیا وجوب غیري شامل مقدمه داخلی و خارجی می‌شود یا مختص مقدمه خارجی است و در پاسخ گفته شده فقط مقدمات خارجی، وجوب غیري دارند و از جزء و مقدمه داخلی، نفی وجوب غیري شده است. این دیدگاه دو دسته استدلال بر مطلوب خود ارائه کرده است: ۱. مقتضی برای اتصاف اجزاء یک واجب به وجوب غیري وجود ندارد. یعنی قبول داریم که معیار وجوب غیري توقف است اما توقف واجب بر اجزایش ممکن نیست. زیرا در وجود خارجی، واجب مرکب و اجزایش متحد و یکی هستند و تغایری بین آن‌ها وجود ندارد و اگر تغایر وجود داشته باشد لازم می‌آید توقف شیء بر خودش که محال است در حالی که طبق معیار توقف باید بین متوقف و متوقف علیه، تغایر باشد. ۲. حتی اگر وجود مقتضی را بپذیریم برای اتصاف اجزاء واجب به وجوب غیري با مانع مواجه هستیم زیرا در واجب مرکب وجوبی که روی کل مترتب شده به طور ضمنی به اجزاء نیز سرایت کرده و از آنجا که وجوب کل، وجوب نفسی است پس اجزاء هم متصف به وجوب نفسی ضمنی می‌شوند. حال اگر اجزاء را دارای وجوب غیري هم بدانیم اجتماع مثلین لازم می‌آید یعنی اجزاء هم وجوب نفسی داشته باشند و هم وجوب غیري و اجتماع مثلین محال است.

۹- با توجه به عبارت «هل یقتضى وجوب الشیء حرمة ضده؟ والمشهور فى الضد العام هو القول بالاقضاء و قال البعض انه بملاک العينية و قد یوجه بأن وجوب الشیء عين حرمة الضد العام فى مقام التأثير» به سؤالات زیر پاسخ دهید. ص ۳۹۷ و ۳۹۸ - ۲ نمره

۲

الف) منظور از اقتضاء چیست؟ ۰/۵ نمره

جواب: اقتضاء یعنی استحاله ثبوت وجوب شیء همراه با انتفاء حرمت ضد آن یعنی به ضرورت عقلی محال است که فعلی واجب شده باشد درحالی که نقیض آن فعل حرام نشده باشد.

ب) توجیه عینیت مذکور و رد آن را توضیح دهید. ۱/۵ نمره

جواب: مقصود از عینیت وجوب شیء و حرمت ضد آن، عینیت در مقام تأثیر است نه عینیت در مرحله حکم و اراده یعنی اثر وجوب شیء این است که مکلف از انجام ضد آن اجتناب کند و اثر حرمت ضد هم بازداشتن مکلف از انجام ضد است. اشکال این توجیه این است که صرف اشتراک وجوب و حرمت در یک اثر نمی‌تواند دلیل بر اتحاد این دو در جعل باشد و یکی بودن اثر حرمت ضد عام و وجوب یک فعل نمی‌تواند حرمت ضد عام را حقیقتاً ثابت کند بلکه ممکن است یکی مجعول و دیگری غیر مجعول باشد.

۱۰- اشکال شهید صدر<sup>(۵)</sup> به توجیه ثبوتی مذکور در متن «حاول بعض الاعلام توجیه القول بعدم حجية القطع الناشئ من الدلیل العقلی بأن یفرض عدم القطع العقلی قیداً فى موضوع الحکم المجعول و یرد علیه بأن القطع العقلی هل هو القطع بالحکم المجعول أو بالجعل؟ والاول واضح الاستحالة والثانی و إن لم یطبق علیه هذه الاستحالة ولكن التصدیق بذلک هنا خلاف المفروض» چیست؟ توضیح دهید.

۲

ص ۴۱۴ و ۴۱۵ - ۲ نمره

جواب: اشکال قطع عقلی‌ای که عدم آن در موضوع حکم شرعی اخذ شده از نظر متعلق دارای دو احتمال است: ۱. قطع به حکم مجعول یا مرحله فعلیت حکم ۲. قطع به حکم در مرحله جعل توسط شارع؛ احتمال اول، واضح الاستحاله است. زیرا در عین حالی که مکلف قطع به فعلیت حکم پیدا کرده نمی‌تواند عدم فعلیت حکم را بپذیرد چون قطع به فعلیت با عدم فعلیت جمع نمی‌شود. بنابر فرض، مکلف قطع به فعلیت دارد و همین قطع به فعلیت، موضوع برای عدم فعلیت می‌شود که این مسأله محال است. اما بنابر احتمال دوم، هرچند استحاله عقلی مذکور وجود ندارد زیرا معقول است که مکلف قطع به جعل داشته باشد. اما در عین حال همین جعل به مرحله فعلیت نرسد اما مشکل این احتمال این است که خلاف فرض پیش می‌آید. زیرا لازمه قطع مکلف به جعل حکم این است که به تمام ملاک حکم قطع داشته باشد و هیچ قید و نکته‌ای نیست که دخیل در حکم باشد. اما مکلف آن را نداند پس نمی‌توان پذیرفت که تحقق فعل منوط به عدم قطع عقلی به جعل حکم باشد و تصدیق به مدخلیت این قید جدید به معنای این است که ملاک تام، تام نبوده است که خلاف فرض است.